



-- پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران -----

سال نهم، شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۸، ۱-۱۹

Jiee.atu.ac.ir

Dol: 10.22054/Jiee.2021.57409.1808

اهمیت نهاد داوری و تأملی بر شرایط قانونی مراجعه به آن در اختلافات نفتی ایران

عاطفه اکبری

دانشجو دکتری حقوق خصوصی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

جلیل قنواتی*

دانشیار حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

سهم نفت در اقتصاد ایران قابل توجه است. به همین سبب، اختلاف‌های نفتی همواره مورد توجه عموم بوده و به بحث‌های سیاسی دامن زده است. یکی از روش‌های حل و فصل این اختلافات مراجعه به نهاد داوری است که در این پژوهش ابتدا اهمیت این نهاد و دلایل اقبال به آن با روش مقایسه‌ای بررسی می‌شود. پس از آن، مشروعیت مراجعه به این نهاد از نظر حقوق داخلی و بین‌المللی براساس روش نظری بحث می‌شود تا امکان مراجعه به این نهاد از نظر قانونی روشن شود. در نهایت اثر قوانین ایران در زمینه داوری بر عملکرد شرکت ملی نفت در مراحل مختلف حل اختلاف تحقیق شده و با هدف تشویق سرمایه‌گذاری و صیانت از اموال عمومی، پیشنهادی جهت تغییر شرایط قانونی رجوع به داوری در دعاوی نفتی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: داوری، قراردادهای نفتی، سیاست‌گذاری، حل اختلاف، شرایط رجوع

۱. طرح مسئله و روش تحقیق

حفظ امنیت سرمایه‌گذاری و اعتمادسازی برای جذب سرمایه خارجی در اولویت دولت‌ها قرار دارد. اقتصاد متکی بر نفت ایران به جذب سرمایه‌های خارجی و جلب همکاری‌های بین‌المللی و انعقاد قراردادهای خارجی نیاز دارد. بالا رفتن تقاضای منابع نفت و گاز موجب شده تا دولت‌ها کنترل بیشتری بر منابع نفتی خود بخواهند و این امر مداخله دولت‌ها در فعالیت‌های اقتصادی را افزایش داده است. به این ترتیب تعداد و اهمیت قراردادهایی که یک طرف آن دولت و طرف دیگر آن شرکت خارجی است، در حال فزونی است.^۱

قرارداد خوب قراردادی است که به آسانی اجرا شود و این مهم هنگامی حاصل می‌شود که قرارداد به شیوه‌ای متوازن و معتدل، حقوق و منافع طرفین را تأمین و ریسک‌های آن‌ها را توزیع کرده باشد. دسترسی به این هدف در قراردادهای بین‌المللی دشوار و به عواملی مانند موضوع قرار داد، پیچیدگی‌های آن، قدرت چانه‌زنی طرفین و نیازهای ایشان، دولتی یا خصوصی بودن هریک از طرفین و بالاخره الزامات قانونی ایشان بستگی دارد که بی‌توجهی به هریک ممکن است منجر به بروز اختلاف گردد.^۲

این پژوهش با تمرکز بر قراردادهای نفتی فی مابین دولت‌ها و شرکت‌های خارجی، نخست به این سؤال می‌پردازد که جایگاه نهاد داوری در میان روش‌های حل این اختلافات نفتی چیست. پاسخ به این سؤال اهمیت پرسش محوری پژوهش در ارتباط با امکان مراجعه به داوری در اختلافات نفتی را تعیین خواهد کرد و در نتیجه مقدمه ورود به مسئله محوری پژوهش است. همچنین براساس پاسخ به این پرسش می‌توان به سیاستگذار برای مشروع یا نامشروع سازی مراجعه به داوری در اختلافات نفتی پیشنهاد ارائه داد. به این معنی که اگر مشخص شود که رجوع به داوری در اختلافات نفتی مفید است اما قوانین ایران موافقت با مراجعه به این نهاد را مشروط به شرایطی غیر ضرور کرده است لازم خواهد بود که این شرایط تغییر کند.

پس از بحث جایگاه نهاد داوری، مسئله اصلی دیگر ارزیابی مشروعیت مراجعه به داوری با توجه به قوانین داخلی و بین‌المللی می‌باشد. چنانچه شرایط مراجعه به داوری از

1. Wesley (2016), p. 11

۲. محبی (۱۳۸۵)، ص ۱۴۱.

نظر حقوقی وجود نداشته باشد، در بسیاری از مواقع امکان تشکیل محکمه وجود نخواهد داشت یا در صورت تشکیل محکمه، ممکن است صلاحیت محکمه زیر سؤال رود یا حتی به فرض صدور رای امکان اجرای حکم وجود نداشته باشد.

به این ترتیب، این پژوهش یک سؤال فرعی و یک سؤال اصلی دارد. مارتین^۱ و شیروی^۲ به پرسش اول در ارتباط با اهمیت و جایگاه داوری پرداخته‌اند. در این پژوهش روش مقایسه‌ای^۳ به کار گرفته می‌شود تا جایگاه نهاد داوری در حل و فصل اختلافات نفتی از طریق مقایسه با روش‌های حل اختلاف به دست می‌آید. برخی این مقایسه را از نگاه شرکت‌های نفتی انجام داده‌اند.^۴ برخی جایگاه نهاد داوری را از نگاه دولت‌های سرمایه‌پذیر دیده‌اند.^۵ این پژوهش نظرات هر دو گروه را با توجه به موضوعات مبتلا به ایران دسته‌بندی می‌کند تا مشخص شود آیا مراجعه به نهاد داوری ضرورتی دارد.

در پی پاسخ به پرسش دوم در ارتباط با مشروعیت مراجعه به داوری که محور پژوهش حاضر نیز هست از روش نظری^۶ استفاده می‌شود.^۷ این روش، قوانین موجود و تحلیل‌هایی که درباره منطق شکل‌گیری و استقرار قوانین وجود دارد را بررسی می‌کند و با در نظر گرفتن سایر نظریه‌ها مشخص می‌کند که چه برداشتی از قوانین ارجح است و آن قوانین به واقع چه اموری را نهی می‌کنند یا اجازه می‌دهند.^۸ در ارتباط با مشروعیت مراجعه به داوری در دعاوی مربوط به اموال عمومی پیش از این براساس روش نظری تحقیق شده است.^۹ حتی در ارتباط با زمان اخذ مجوز ارجاع به داوری نیز نظریه حقوقی بیان شده است.^{۱۰} اما این مقالات نظرات حقوقی خود را بر دعاوی نفتی متمرکز نکرده‌اند.^{۱۱} این پژوهش با تمرکز بر قراردادهای نفتی در پی تحقیق مشروعیت مراجعه به داوری در قراردادهای نفتی با استفاده از روش نظری است.

1. Martin (2001), p. 344.

۲. شیروی (۱۳۹۳)، ص ۱۹۷.

3. Comparative Legal Research

4. Dundas (2004), p. 17.

5. Leslie and Rivkin and Lamb (2015), p. 42

6. Doctrinal Legal Research

7. Kharel (2018), p. 7.

8. Hutchinson (2015), p. 132.

۹. میرزائزاد جویباری (۱۳۹۴)، ص ۱۳۰.

۱۰. یآوری و باقری (۱۳۹۸)، ص ۲۶۷.

۱۱. کریمی و پرتو (۱۳۹۱)، ص ۱۶۲.

پژوهش در حوزه بررسی آخرین تحولات و چالش‌های داوری در قراردادهای نفتی محدودیت ویژه‌ای دارد زیرا این‌گونه پژوهش‌ها نیازمند بررسی پرونده‌های حقوقی هستند و دسترسی به پرونده‌ها علی‌الخصوص پرونده‌های به روز بسیار محدود است. معمولاً روند داوری و آرای آن با در نظر گرفتن منافع شرکت‌ها یا مصالح حاکمیتی و محدودیت‌های سیاسی منتشر نمی‌شوند، در نتیجه برای تحقیق باید از روش‌های نظری استفاده کرد و از مطالعه موردی که می‌تواند مکمل روش نظری باشد در اندازه‌ای که اخبار پرونده منتشر می‌شود استفاده کرد. این پژوهش ضمن عنایت به محدودیت‌های مذکور تهیه شده و تحلیل‌های آن در صورت دسترسی تازه به پرونده‌ها غنی‌تر خواهد شد اما مبانی نظری پژوهش وابسته به اطلاعات پرونده‌ها نیست و با دسترسی‌های تازه تغییر نخواهد کرد.

۲. شیوه‌های غیر قضایی حل اختلاف

حل و فصل تمام اختلافات از طریق محاکم قضایی علاوه بر اینکه هزینه زیادی را بر دولت‌ها تحمیل می‌کند، منجر به تراکم کار و انباشته شدن پرونده‌ها در محاکم دادگستری می‌گردد و این امر به دلیل تبعاتی همچون کندی جریان حل و فصل اختلافات و پایین آمدن کیفیت رسیدگی و آراء و در نتیجه عدم اجرای صحیح و سریع عدالت، نارضایتی اصحاب دعوا را به دنبال خواهد داشت. همچنین طرفین اختلاف به ویژه در برخی اختلافات تجاری تمایل چندانی به مراجعه به محاکم قضایی جهت حل و فصل اختلافات خود ندارند چرا که می‌خواهند اختلاف خود را سریع‌تر و حتی‌المقدور با هزینه کمتر و توسط قضاتی که نسبت به موضوع مورد اختلاف تخصص دارند، به طور محرمانه، خصوصی و غیر علنی حل و فصل نمایند. تنوع و انعطاف شیوه‌های غیر قضایی حل اختلاف این امکان را برای طرفین فراهم می‌سازد، در حالی که حل این‌گونه اختلافات در دادگاه‌ها آنها را در حالت درگیری و نزاع باقی می‌گذارد.^۱ علل فوق سبب گردیده است که روز به روز تمایل اشخاص به حل اختلافات خود از طریق شیوه‌هایی غیر از شیوه رسمی حل اختلاف بیشتر شود و دولت‌ها در جهت ترویج و شناسایی شیوه‌های غیر قضایی حل اختلاف و استفاده هرچه بیشتر طرفین اختلافات از این شیوه‌ها اقدامات متعددی را انجام دهند. مؤسسات و سازمان‌های متعددی که موضوع فعالیت خود را شیوه‌های جایگزین حل

1. Talus (2007), p. 249.

اختلاف (ADR)^۱ قرار داده‌اند، تأسیس گردیده‌اند و قوانین داخلی کشورها نیز به منظور تسهیل و استفاده بیشتر از این شیوه‌ها اصلاح شده است. در سطح بین‌المللی نیز کنوانسیون‌ها و قوانین نمونه‌ای به منظور یکنواخت‌سازی مقررات داخلی کشورها در این زمینه و تسهیل اجرای این شیوه‌ها به تصویب رسیده است که جملگی اهمیت حل اختلافات را از طریق شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات آشکارتر می‌سازد.^۲ با این حال در نظام حقوقی ایران توجه لازم به این شیوه‌ها معطوف نشده و رجوع طرفین به شیوه‌های جایگزین آن چنان گسترده و مؤثر نیست. شیوه‌های جایگزین حل اختلاف مجموعه‌ای از روش‌ها را شامل می‌شود که به عنوان جایگزین‌های رسیدگی قضایی و داوری به منظور حل و فصل اختلافات عمل می‌کنند که معمولاً اما نه ضرورتاً متضمن مداخله و مساعدت شخص ثالث بی‌طرفی است که به تسهیل اختلافات کمک می‌کند.^۳

کمیسیون اروپا روش‌های جایگزین اختلافات را شیوه‌های خارج از دادگاهی توصیف کرده که در کنار داوری با ماهیت دخالت شخص ثالث شکل می‌گیرند. روش‌های جایگزین اختلافات به روش‌هایی از قبیل سازش، میانجیگری، مصالحه، مذاکره، دادرسی‌های مختصر اطلاق می‌شود که از ویژگی‌های آن می‌توان به غیر رسمی بودن، دسترسی بیشتر به انصاف و دخالت مستقیم طرفین در رسیدگی به اختلاف اشاره کرد.^۴ در این میان، نهاد داوری را راهکاری شبه قضایی با ماهیتی میانه روش‌های جایگزین اختلافات و روش‌های قضایی است.^۵

۳. داوری و مزایای رجوع به آن در حل اختلافات نفتی

تاریخ داوری به عنوان نهادی بین‌المللی برای رسیدگی به اختلافات با حقوق قراردادهای نفت و گاز و تحولات آن ممزوج و تنیده شده است.^۶ داوری در لغت به معنای قضاوت و انصاف و حل و فصل دعوی میان مردم و قطع و وصل مرافعه دو یا چند شخص است^۷ و در

1. Alternative Dispute Resolution

۲. انصاری (۱۳۸۴)، ص ۱۸۱.

۳. درویشی هویدا (۱۳۸۸)، ص ۲۷۶.

4. Brown (1998), p. 74.

5. White (2010), p. 211.

۶. آریان کیا (۱۳۸۸)، ص ۱۷۶.

۷. معین (۱۳۵۳)، ص ۲۱۸.

اصطلاح حقوقی، فنی است که هدف آن حل و فصل یک مسئله مربوط به روابط دو یا چند شخص به وسیله دو یا چند شخص دیگر به نام داور یا داوران است که اختیارات خود را از یک قرارداد خصوصی می‌گیرند و براساس آن قرارداد رأی می‌دهند بی‌آنکه دولت چنین وظیفه‌ای را بر آن محول کرده باشد.^۱

داوری نهادی شبه قضایی است که می‌تواند مرجع نهایی حل و فصل اختلافات باشد.^۲ داوری وسیع‌ترین و قابل قبول‌ترین روش حل اختلاف در حقوق بین‌الملل مربوط به انرژی است چراکه الزام حقوقی منعطفی برای طرفین مربوط به اختلافات مرتبط ایجاد می‌کند^۳ و فارغ از برخی کاستی‌ها با دادن حق انتخاب میان داوری و دیگر روش‌های حل اختلاف، طرفین همواره داوری بین‌المللی را انتخاب می‌کنند چراکه به آنها امکان رسیدگی عادلانه را می‌دهد.^۴

سرمایه‌گذاران به دنبال حصول اطمینان پیرامون امنیت سرمایه‌شان هستند و تفاوت میان مقررات مربوط به حل اختلاف در سراسر دنیا، نیاز به یک زمینه ثابت برای حل اختلافات را بیش از پیش ضروری می‌نماید. داوری بین‌المللی با ماهیتی محرمانه و انعطاف‌پذیر در مقابل رسیدگی‌های قضایی و همچنین ویژگی الزام‌آور و تعهد‌آور در مقابل سایر شیوه‌های جایگزین حل اختلاف، بیشترین توجه‌ها را در این دوران به خود جلب نموده است. قراردادهای مربوط به نفت و گاز بیشتر از سایر قراردادهای بین‌المللی با طرف خارجی درگیر است و ارجاع دعاوی در این زمینه به دادگاههای داخلی می‌تواند به این معنا باشد که یک سیستم حقوقی خارجی بر روابط طرف مقابل حاکم گردد که شرایط شکلی و ماهوی و نحوه رسیدگی خاص خود را دارد، زبان متفاوت از زبان طرف قرارداد در آن جاری است و احتمالاً تخصص و تجربه کافی در حیطه موضوع قرارداد را دارا نمی‌باشد. این در حالی است که داوری به عنوان نهادی شناسایی شده و الزام‌آور در صحنه بین‌المللی مشکلات مذکور را دارا نیست و علاوه بر این طرفین می‌توانند از طریق این نهاد، ضمن دسترسی به رسیدگی محرمانه از امکان بررسی پرونده توسط افراد باتجربه در زمینه نفت و گاز بهره‌مند گردند.^۵ از سایر مزایای داوری می‌توان کاهش اطالۀ دادرسی، کاهش هزینه

۱. رند و صفایی (۱۳۸۵)، ص ۲۴۹.

۲. درویشی هویدا (۱۳۹۰)، ص ۸۵.

۳. توسلی جهرمی (۱۳۸۱)، ص ۳۸۶.

4. Timothy (2017), p. 335.

5. Luki and Bayusi Nammei and Jahan Abubakr (2018), p. 32.

دادرسی، امکان رسیدگی قضات در دادگاهها به پرونده‌های ارجاعی بیشتر و کاهش پیچیدگی و رسمیت در پروسه حل اختلاف را برشمرد که موجب بالا رفتن سطح رضایت طرفین از نتیجه حاصله می‌شود.^۱ وجود این مزایا دلیل تثبیت نهاد داوری و از عوامل مؤثر نفوذ داوری در قراردادهای نفتی بوده است.

به رغم نفوذ داوری در قراردادهای نفتی، مشروعیت مراجعه به آن نیازمند تحقیق است. یعنی باید مشخص شود آیا هر شرکت خارجی در صورت اختلاف با دولت‌ها می‌تواند موضوع را به داوری بکشانند. از آنجا که قراردادهای نفتی، قراردادهای بین‌المللی هستند، طرف‌های خارجی قرارداد باید مشروعیت رجوع به نهاد داوری را از نظر قوانین بین‌المللی مورد تحقیق قرار دهند. از سوی دیگر با توجه به اینکه شرکت ملی نفت موظف است براساس قانون ایران عمل کند پرسش این است که آیا این شرکت براساس قوانین ایران اجازه دارد در قراردادهای خود به داوری به عنوان روش حل و فصل اختلاف متعهد شود و در صورت وجود چنین حقی و در صورت وقوع اختلاف با شرکت‌های خارجی این شرکت باید امکان قانونی رجوع به داوری را دارد.

۴. مشروعیت رجوع به داوری در اختلافات سرمایه‌گذار و دولت از نظر

حقوق بین‌الملل

اثر اساسی یک قرارداد داوری این است که دعوی احتمالی یا موجود را از صلاحیت محاکم قضایی معمول خارج می‌نماید.^۲ این در حالیست که دولت‌ها براساس اصول پذیرفته شده بین‌المللی از مصونیت برخوردار هستند. بدین معنا که نمی‌توان علیه یک کشور در دادگاه کشور دیگر اقامه دعوی نمود یا به داوری متوسل شد. اما اگر بخواهیم اصل مزبور را در قراردادهای سرمایه‌گذاری جاری بدانیم، همیشه این نگرانی وجود دارد که در صورت نقض تعهد توسط دولت صاحب نفت، پیمانکار توانایی اقامه دعوی و توسل به داوری را نداشته باشد.

در پاسخ به این نگرانی معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری (BIT)^۳ منعقد می‌شوند که به سرمایه‌گذاری‌های یک سرمایه‌گذار از یک کشور متعهد در قلمرو کشور دیگر تضمین‌هایی

1. Lakasz and Razdeiczner and Alejandro (2016), p. 11.

۲. عابدی (۱۳۸۵)، ص ۸۹.

3. Bilateral Investment Treaty

ارائه می‌کنند که معمولاً شامل رفتار منصفانه و عادلانه، محافظت در برابر سلب مالکیت، انتقال رایگان وسایل، امنیت و حفاظت کامل می‌شود. ویژگی بارز بسیاری از معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری این است که به موجب آن سرمایه‌گذار که حقوق وی تحت معاهدات دو جانبه سرمایه‌گذاری نقض شده باشد می‌تواند به جای شکایت از کشور میزبان در دادگاه‌های آن کشور به داوری بین‌المللی متوسل شود.^۱ معاهدات سرمایه‌گذاری دو جانبه در دهه اول قرن بیست و یکم گسترش یافت و تا سال ۲۰۱۷ به بیش از ۳۵۰۰ عدد رسید. بسیاری از این معاهدات حاوی متنی هستند که اختلافات سرمایه‌گذاری را به ایکس‌اید (ICSID)^۲ ارجاع می‌دهد.

یک معاهده بین‌المللی چندجانبه سرمایه‌گذاری که به صورت اختصاصی به بخش انرژی توجه دارد پیمان منشور انرژی (ECT)^۳ است. این پیمان چارچوبی چندجانبه برای همکاری‌های فرامرزی در صنعت انرژی برقرار می‌کند و شامل کلیه جنبه‌های فعالیت‌های انرژی تجاری از جمله تجارت، ترانزیت، سرمایه‌گذاری و بهره‌وری انرژی است. این پیمان از نظر قانونی الزام‌آور و شامل مراحل حل اختلاف است. آرا و حل و فصل‌های داوری‌های بین‌المللی که در چارچوب معاهده منشور انرژی مطرح شده‌اند، گاه به صدها میلیون دلار می‌رسد. در سال ۲۰۱۴، پرونده تقریباً ۱۰ ساله یوکوها با یک رأی ۵۰ میلیارد دلاری براساس این پیمان به سود شاکیان تعیین تکلیف شد.

مشروعیت رجوع به داوری در معاهدات سرمایه‌گذاری عموماً به شرط دو راهی در جاده مشروط می‌شود. منظور از این اصطلاح این است که شخص خواهان (سرمایه‌گذار) در طرح ادعای خود علیه کشور سرمایه‌پذیر، مخیر به انتخاب صرفاً یکی از روش‌ها و مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات سرمایه‌گذاری می‌باشد. او می‌تواند بین رجوع به داوری

1. Wong (2006), p. 49

2. International Center for Settlement of Investment Dispute

یک مؤسسه داوری بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۶ برای حل و فصل اختلافات حقوقی و مصالحه بین سرمایه‌گذاران بین‌المللی تأسیس شده است. این یک مؤسسه تخصصی مستقل و چندجانبه برای تشویق جریان بین‌المللی سرمایه‌گذاری و کاهش ریسک‌های غیرتجاری با پیمانی است که توسط مدیران اجرایی بانک بین‌المللی بازرگانی و توسعه تهیه و توسط کشورهای عضو امضا شده است. تا سال ۲۰۱۹ بیش از یک چهارم پرونده‌های این مرکز به بخش نفت، گاز و معدن مربوط بوده است. این مرکز که مقر آن در واشنگتن دی سی در ایالات متحده است بخشی از گروه بانک جهانی است و بودجه آن نیز توسط گروه بانک جهانی تأمین می‌گردد. این مرکز فعالیت‌های مشاوره‌ای نیز انجام می‌دهد همچنین چندین نشریه پژوهشی منتشر می‌کند.

3. Energy Charter Treaty

ذکر شده در معاهده یا رجوع به دادگاه‌های محلی کشور سرمایه‌پذیر انتخاب کند و نمی‌تواند هم‌زمان هر دو مسیر را طی کند. این انتخابی است که بازگشت از آن ممکن نیست. به عنوان مثال در بند ۵ ماده ۱۱ معاهده ایران و اتریش در این خصوص چنین آمده است:

«هر اختلافی که ابتدا در دادگاه‌های صالح طرف متعاقد سرمایه‌پذیر اقامه شود، تا زمانی که در دست رسیدگی است جز با توافق طرف‌ها نمی‌تواند به داوری ارجاع شود و در صورتی که منتهی به صدور حکم قطعی شود قابل ارجاع به داوری نخواهد بود.»

می‌توان نتیجه گرفت که از نظر حقوق بین‌الملل مشروعیت مراجعه به داوری در اختلافاتی که یک طرف آن دولت است منوط به رضایت دولت به مراجعه داوری است و مادامی که این رضایت به نحوی تصریح نشده باشد، امکان مراجعه به این نهاد در اختلافات نفتی برای شرکت‌ها فراهم نیست.

۵. مشروعیت رجوع به داوری در دعاوی نفتی از نظر حقوق داخلی

حال که مشروعیت رجوع به داوری از دید حقوق بین‌الملل منوط به اعلام موافقت دولت با مراجعه به داوری است باید دید قوانین ایران تا چه اندازه اجازه می‌دهند شرط داوری در قراردادهای نفتی گنجانده شود.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین مانع تعیین نهاد داوری جهت رسیدگی به اختلافات مابین شرکت ملی نفت ایران یا سایر شرکت‌های تابعه وزارت نفت با شرکت‌های نفتی بین‌المللی مسئله اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱ و ماده (۴۵۷) قانون آیین دادرسی مدنی^۲ است که براساس آن ارجاع اختلافات مربوط به اموال عمومی به داوری در صورتی که طرف دعوی خارجی باشد نیازمند تصویب مجلس شورای اسلامی است.

در تمکین این مفاد قانونی در ایران تصویب بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله کنوانسیون نیویورک که یک معاهده بین‌المللی در شناسایی آرای داوری است،

۱. اصل ۱۳۹ قانون اساسی مقرر می‌دارد: صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد، موکول به تصویب هیات وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوی خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند.

۲. ماده ۴۵۷ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: رجوع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیات وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوی خارجی و یا موضوع دعوی از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.

مشروط بر رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی شده است. به موجب تبصره بند ۲ ماده واحده الحاق ایران به کنوانسیون مزبور «رعایت اصل یکصد و سی و نهم قانون اساسی درخصوص ارجاع به داوری الزامی است». بنابراین اگر رأی داوری خارجی در ارتباط با اموال عمومی دولتی صادر شده باشد لکن مفاد اصل ۱۳۹ در آن رعایت نگردیده باشد، این رأی طبق تبصره مذکور در ایران مورد شناسایی قرار نگرفته و حکم به اجرای آن صادر نمی‌شود.

در پاسخ به این مشکل در باب اختلافات نفتی، نظریه‌های حقوقی مختلفی ارائه شده است. براساس یک نظریه که در ارتباط با «زمان اخذ مجوز مراجعه به داوری در ارتباط با اموال عمومی»^۱ است در تطبیق با موضوع قراردادهای نفتی می‌توان گفت که درج بند داوری در قراردادهای نفتی ایران، خود به خود به معنی نقض اصل ۱۳۹ قانون اساسی ایران نیست. براساس این نظریه درج شرط داوری در قرارداد نفتی مربوط به دعاوی آتی است و به معنی وقوع رجوع به داوری نیست. به بیان دیگر بند مربوطه ناظر به دعاوی آینده است و در زمان درج شرط داوری در قراردادهای نفتی اختلافی وجود ندارد که لازم باشد به داوری ارجاع شود تا براساس اصل ۱۳۹ نیازی به مصوبه مجلس باشد.

براساس این دیدگاه، گنجاندن شرط داوری در قراردادهای نفتی مخالف با قوانین ندارد. چنانچه موضوع به اختلاف منجر نشود، مشکلی پیش نمی‌آید و ضرورتی هم به اخذ مجوز مقامات مذکور در اصل ۱۳۹ نخواهد بود. در صورت بروز اختلاف نیز اگر خواهان داوری طرف دیگر قرارداد باشد، در این صورت شرکت دولتی طرف قرارداد چون در مقام دفاع است می‌تواند به عنوان خواننده در داوری شرکت کند و نیازی به اخذ مجوز از هیأت دولت یا مجلس نیست. اما اگر شرکت دولتی طرف قرارداد خواهان داوری باشد، طبیعتاً باید مجوز لازم از هیأت دولت و یا مجلس برای درخواست داوری را اخذ کنند.

در مقابل این نظریه حقوقی می‌توان استدلال کرد که رجوع به داوری حتی به عنوان خواننده نیز خلاف قانون است. به این ترتیب که اگر ارجاع اختلافات بالفعل مربوط به اموال عمومی و دولتی به داوری، نیاز به تشریفات خاص و اخذ مجوز داشته باشد، تعهد به آن نیز نیاز به مجوز هیأت دولت و یا مجلس دارد. خصوصاً که باید توجه کرد که چنین تعهدی الزام‌آور است و راه برگشتی از آن نیست. یعنی نمی‌توان پس از اختلاف در اجرای قرارداد مانع از به جریان افتادن روند داوری شد.

با توجه به نظریات حقوقی متضاد، حتی اگر بند مربوط به داوری در قرارداد گنجاهه شود، اجرای داوری در ابهام قرار می‌گیرد. زیرا اگر به استناد موافقتنامه داوری رأی در خارج از کشور صادر شود و طرف خارجی به استناد کنوانسیون نیویورک تقاضای شناسایی و اجرای آن را در ایران داشته باشد و شرکت ملی نفت از اجرای حکم داوری امتناع کند، طرف خارجی برای استیفای مطالبات خود ناگزیر از مراجعه به محاکم قضایی ایران خواهد بود. در این صورت قید تصویب شرط مراجعه به داوری توسط مجلس شورای اسلامی می‌تواند مستمسکی برای دادگاه ایرانی باشد که از اجرای رأی خارجی مزبور خودداری کند.^۱

در چنین شرایطی اگر بین ایران و کشور متبوع شرکت خارجی معاهده دو جانبه سرمایه‌گذاری وجود داشته باشد (ایران با بیش از ۵۰ کشور چنین معاهداتی دارد) طرف خارجی با استناد به این معاهده و این واقعیت که شرط مراجعه به داوری در این معاهدات آمده و کل معاهده به تصویب مجلس رسیده است می‌تواند در نزد دادگاه‌های ایران به سود مشروعیت حکم داوری استدلال کند.

چنین استدلالی البته لزوماً مورد قبول دادگاه ایران نخواهد بود. اهمیت، حجم و سایر ویژگی‌های قرارداد ممکن است در نظر دادگاه برای پذیرش چنین استدلالی مؤثر باشند. اینکه دادگاه‌های ایران در چنین وضعیتی که رأی خواهند داشت شایسته بحث بیشتر براساس نظریات حقوقی و موارد قضایی در محاکم داخلی است اما به هر ترتیب واضح است که چنین وضعی شرکت خارجی را در ریسک غیر قابل پیشبینی قرار می‌دهد زیرا اگر نتواند محاکم قضایی ایران را قانع به رأی به سود خود نکند در به اجرا گذاشتن رأی داوری و رسیدن به مطالبات خود به مشکل می‌خورد.

شورای نگهبان که مرجع تفسیر قانون اساسی است تاکنون در تفسیر اصل ۱۳۹ نظر صریحی در مورد مشروعیت یا عدم مشروعیت گنجاندن شرط داوری در قراردادها بدون اخذ مجوزهای لازم ارائه نکرده است. رویه شرکت‌های زیرمجموعه وزارت نفت تاکنون براساس این نظریه حقوقی که گنجاندن شرط داوری بدون طی تشریفات مجاز است، بوده است. براساس رویه موجود به نظر می‌رسد شرکت ملی نفت احتمالاً به دلیل الزامات قانونی پیشگفته ترجیح می‌دهد در صورت بروز اختلاف با شرکت‌های خارجی موضوع را از

۱. شیروی (۱۳۹۳)، صص ۶۴۷-۶۴۴.

طریق مذاکره فیصله دهد و در صورت عدم توفیق در مذاکره، اجرای برخی تعهدات خود را متوقف کند تا شرکت خارجی به داوری مراجعه کند و شرکت نفت را به دفاع از خود فرا بخواند.

مشکل اینجاست که در برخی موارد نمی توان با تعلیق برخی تعهدات قراردادی موجب استیفای حقوق شد یا طرف دیگر را وادار به به جریان انداختن طرح دعوا وفق قرارداد کرد. دعوی حقوقی شرکت ملی نفت ایران و شرکت آمریکایی آشلند بر سر یک قرارداد که قبل از انقلاب اسلامی بین دو شرکت بسته شده بود، ایجاد شد. این قرارداد در واقع یک قرارداد بلندمدت فروش نفت از طرف شرکت نفت ایران بود که در طول دهه ۵۰ خورشیدی اجرا می شد و تا تسخیر سفارت آمریکا ادامه پیدا کرد اما اجرای آن از آن پس توسط شرکت آمریکایی متوقف شد. این در حالی بود که شرکت نفت ایران ادعا می کرد ۲۸۲ میلیون دلار از شرکت آمریکایی طلب دارد. براساس قرارداد در صورت بروز اختلاف برای تشکیل حکمیت هریک از طرفین باید یک داور معرفی می کردند. شرکت نفت ایران در این مورد خاص بدون اخذ مجوز از مجلس درخواست تشکیل حکمیت داد و حتی پس از مخالفت شرکت آشلند با تشکیل حکمیت در سال ۱۹۸۵ به دادگاهی در آمریکا مراجعه کرد تا آن دادگاه شرکت آشلند را به معرفی داور مجبور کند.^۱

یک مورد دیگر از مواردی که شرکت ملی نفت در مراجعه به داوری پیش قدم شده مربوط به خط لوله ۲۴۲ کیلومتری ایلات - اشکلون است.^۲ این پروژه با ثبت یک شرکت ایرانی - اسرائیلی در سال ۱۳۴۷ خورشیدی برای ساخت خط لوله نفتی از بندر ایلات در جنوب فلسطین اشغالی به اشکلون در ساحل مدیترانه کلید خورد. هنگام وقوع انقلاب اسلامی در ایران، این خط لوله و مخازن آن حاوی حدود ۸۰۰ هزار تن نفت خام ایران بود که ارزش آن در آن زمان، نزدیک به ۱۲۰ میلیون دلار بود.

قرارداد تشکیل این شرکت تصریح داشت که در صورت بروز اختلاف، هیأت داوری مرجع رسیدگی خواهد بود. این هیأت داوری با عضویت یک داور منصوب شده از سوی شرکت ملی نفت ایران و یک داور انتصابی از جانب اسرائیل و یک داور سوم که توسط دو داور انتصابی انتخاب شده تشکیل می شود. براساس قرارداد اگر دو داور نتوانستند بر سر انتخاب داور سوم توافق کنند، رئیس اتاق بازرگانی بین المللی در پاریس داور سوم را منصوب می کند.

1. National Iranian Oil Co. v. Ashland Oil, Inc., 716 F. Supp. 268 (S.D. Miss. 1989)

2. Ahmadloo (2005)

شرکت نفت ایران در ۱۴ اکتبر ۱۹۹۴ طرف مورد نظر خود را برای آغاز روند حکمیت معرفی کرد و از رژیم صهیونیستی نیز خواست داور خود را معرفی کند. برای این مراجعه به داوری نیز مصوبه مجلس شورای اسلامی وجود ندارد. در ادامه روند تشکیل هیأت داوری رسیدگی به اختلافات، طرف صهیونیستی نیز به مانند مورد آمریکایی از معرفی داور استنکاف کرد و به این ترتیب مشابه مورد دعوا با شرکت آمریکایی آشکلند، شرکت نفت ایران در اقدامی بی سابقه این بار ناگزیر شد به محاکم رژیم صهیونیستی مراجعه کند با این دادخواست که دادگاه رژیم صهیونیستی طرف دعوا را ملزم به معرفی داور کند.^۱ پس از اینکه دادگاه رژیم صهیونیستی از صدور چنین حکمی خودداری کرد، شرکت نفت ایران موفق شد حکم دادگاهی در پاریس را برای الزام رژیم صهیونیستی به تعیین یک داور جهت حل و فصل دعوای دو طرف به دست آورد و سرانجام، دو طرف در سال ۲۰۰۴ بر سر ارجاع موضوع به داوری در ژنو به توافق رسیدند.^۲

با عنایت به موارد بالا به نظر می رسد به طور عمومی شرکت ملی نفت برای پرهیز از نقض «قوانین منع رجوع به داوری مگر با مصوبه مجلس» ناچار به تمسک به روشی است که طرف مقابل ناگزیر به مراجعه به داوری شود و شرکت نفت در مقام دفاع در پرونده ظاهر شود. عمل به این روش گاهی موجب می شود تا شرکت نفت برای وادار کردن شرکت خارجی ناگزیر به تخلف از تعهدات قراردادی شود، چنین تخلفاتی ممکن است با جرایمی همراه شود که شرکت نفت را متضرر می کند. به علاوه همان طور که در دو مورد پرونده های آمریکایی و اسرائیلی نشان داده شد، گاهی هیچ راهی برای عمل به این روش وجود ندارد.

واضح است که قوانین فعلی بسط ید شرکت ملی نفت را در مراجعه به داوری محدود کرده اند. این شرکت اما حداقل در یک مورد کوشیده است امکان استفاده از این قوانین به سود خود را بیازماید. در پرونده شرکت نفت و شرکت فرانسوی الف اکویتین^۳ که شرکت فرانسوی با استناد به قرارداد سال ۱۹۶۶ خواهان تشکیل داوری شد، شرکت ملی نفت تلاش کرد تا با استناد به قوانین داخلی ایران مانع به جریان افتادن روند داوری شود. در این پرونده شرکت فرانسوی براساس قرارداد فی مابین، متعهد به انجام عملیات اکتشافی نفت بود و در

1. National Iranian Oil Co. v. State of Israel, Federal Supreme Court of Switzerland, January 10, 2013-4A-146/2012.

2. National Iranian Oil Co (NIOC) v. Israel, judgment of the French Cour de Cassation, First Civil Chamber Case, 2015, No. 01-13.742/02-15.237

3. Elf Aquitaine

مقابل مقرر بود که شرکت نفت ایران به قیمت ترجیحی به این شرکت نفت بفروشد. اکتشاف نفت مقارن با انقلاب ایران شد و شرکت نفت قرارداد خود را بدون بازپرداخت لغو کرد. شرکت فرانسوی خواستار تشکیل هیئت داوری شد اما پس از اینکه شرکت ملی نفت ایران معرفی داور را رد کرد، شرکت فرانسوی با مراجعه به دادگاه عالی دانمارک موفق به تعیین یک تک داور برای رسیدگی به پرونده شد. در مقابل شرکت ملی نفت ایران ادعا کرد که قرارداد داوری فی مابین براساس قوانین ایران باطل است و در نتیجه هیأت داوری صلاحیت رسیدگی به پرونده را ندارد و شرکت فرانسوی باید دعاوی خود را در دادگاه قضایی ایران مطرح کند. در پاسخ به این ادعا، داور اظهار داشت که طرفین با انتخاب داوری در واقع روشی را برای حل و فصل اختلافات ایجاد کرده‌اند که طرفین را از توسل به راه‌حل‌های پیش‌بینی شده در قوانین ملی معاف می‌کند. به این ترتیب و بنابر نظر داور، شرکت فرانسوی ملزم به ارائه درخواست جبران خسارت به دادگاه محلی قبل از ارائه درخواست داوری نشد.^۱

نتیجه پرونده الف اکویتین نشان داد که وقتی یک قرارداد داوری معتبر وجود دارد با استناد به قوانین داخلی نمی‌توان مانع از مراجعه طرف خارجی به داوری شد و از او خواست به جای داوری به دادگاه محلی مراجعه کند.^۲ در واقع به رغم وجود نظرات متضاد در ارتباط با قانونی بودن مراجعه شرکت ملی نفت ایران به داوری از نظر قوانین داخلی، تردیدی نیست که این قوانین نمی‌توانند مانع از مراجعه طرف خارجی به داوری شوند. در واقع حتی اگر قوانین داخلی می‌توانستند مانع مراجعه سرمایه‌گذار خارجی به داوری شوند، خوب بود در اساس امکان گنجاندن شرط داوری در چنین قراردادهایی منع شود تا سرمایه‌گذار احساس کند با یک عدم صداقت مواجه است که از یک طرف در قرارداد امضا شده با شرکت ملی امکان مراجعه به داوری پیش‌بینی شده و از طرف دیگر این امکان بدون رضایت ثانویه قابل استفاده نیست.

قوانین فعلی با محدود کردن شرکت ملی نفت در مراجعه به داوری، تحت شرایطی که در بالا توضیح داده شد، می‌تواند این شرکت را متضرر کند. اگر هم دادگاه ایرانی از اجرای احکام داوری با این استدلال که رجوع به آن از ابتدا خلاف قانون بوده خودداری کند، به امنیت سرمایه‌گذاری بین‌المللی در ایران لطمه خواهد خورد.

1. Elf Aquitaine Iran v. National Iranian Oil Co. (NIOC), Preliminary Award of 14 January 1982, 11 Y.B. Com. Arb. 97 (1986).

2. Amerasinghe (2005)

۶. نتیجه گیری

در نظر گرفتن امکان بروز اختلاف در هر قرارداد اجتناب ناپذیر است. در این پژوهش سعی شد تا نیاز به شیوه‌های غیر قضایی حل اختلاف تبیین و جایگاه نهاد داوری در میان سایر شیوه‌های حل و فصل اختلافات نفتی روشن شود.

در حالی که داوری به عنوان یک روش مؤثر حل اختلاف از شناسایی بین‌المللی برخوردار است، قوانین داخلی ایران، رجوع به داوری در ارتباط با اموال عمومی را منوط به اخذ مجوزهای خاص کرده است. به نظر می‌رسد هدف قانون‌گذار حفظ حاکمیت محاکم قضایی داخلی بر اموال عمومی بوده است. این قانون در عمل اما راه را برای مراجعه به داوری و تصمیم‌گیری درباره اموال عمومی بدون کسب مجوز باز گذاشته است یا لاقفل بر اساس رویه جاری در صنعت نفت، راه برای تصمیم‌گیری راجع به اموال عمومی در نهاد داوری گشوده است.

روشن است که وضع فعلی ابهام‌زاست. از طرفی قوانین موجود امکان اجرای حکم داوری در ایران را در ابهام قرار داده‌اند و این می‌تواند هزینه حضور در ایران را برای سرمایه‌گذار خارجی بالا ببرد، از طرف دیگر با ایجاد یک امکان یک طرفه به سرمایه‌گذار خارجی برای رجوع به داوری، شرکت ملی نفت را در موقعیت نامناسب و نابرابری برای احقاق حقوق عمومی قرار داده است. چنانچه قانون‌گذار به واقع در نظر دارد هیچ نوع مراجعه‌ای به داوری به غیر از مواردی که اجازه خاص صادر می‌شود انجام نشود، لازم است برای ممانعت از ثبت بند مربوط به رجوع به داوری در قراردادهای مربوط به اموال عمومی قاعده‌گذاری کند. اگر هم ممانعت از رجوع به داوری را در قراردادهای نفتی به صلاح نمی‌داند راه را از طریق مصوبه قانونی باز کند.

۷. تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

۸. منابع

- آریان کیا، رضا. (۱۳۸۸)، «شرط داوری در سیر تحولات حقوق قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز»، مجله حقوق بین‌الملل، شماره ۴۱.
- امین‌زاده، الهام و نیک‌بخش شرفشاده، علی (۱۳۹۴)، «مطالعه تطبیقی حق دولت‌ها بر مالکیت و حاکمیت منابع نفت و گاز»، مجله مطالعات حقوقی انرژی، شماره ۱.

انصاری، باقر (۱۳۸۴)، «درآمدی بر مکانیزم‌های حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی»، فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، شماره چهل و چهار.

توسلی جهرمی، منوچهر (۱۳۸۱)، «نگاهی به شیوه‌های جایگزین حل اختلافات در مقررات جدید اتاق بازرگانی»، مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۶ و ۲۷.

جنیدی، لیا (۱۳۹۵)، «اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی» تهران: نشر شهر دانش.
حبیبی درگاه، بهنام (۱۳۹۲)، «حقوق و اقتصاد (حقوق دادرسی مدنی)»، تهران: انتشارات جاودانه جنگل.

حبیبی درگاه، شهرام و حبیبی، بهنام (۱۳۹۳)، «واکاوی نظریه بازی‌های دادرسی مدنی با تأکید بر بازی دادرسی همکاران»، نشریه علمی پژوهشی فقه در حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۱۱ (پاییز و زمستان).

درویشی هویدا، یوسف (۱۳۸۸)، «شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات»، تهران: نشر میزان.
درویشی هویدا، یوسف (۱۳۹۰)، «نفی صلاحیت دادگاه‌های دولتی و مراجع داوری در صورت وجود موافقتنامه ADR با تأکید بر نظام حقوقی کامن‌لا و رویه داوری‌های بین‌المللی»، مجله حقوقی بین‌المللی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌الملل ریاست جمهوری، شماره ۴۵.

رند، داوید و صفایی، حسین (۱۳۷۵)، «مفهوم و نقش داوری در بازرگانی بین‌المللی»، نشر میزان.
شافع، میرشهبیز (۱۳۹۱)، «انتخاب قانون حاکم در داوری‌های نفتی بین‌المللی، مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران»، انتشارات شهر دانش.

شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳)، «حقوق نفت و گاز»، بنیاد حقوقی میزان.
طالق، ریاض (۱۳۸۳)، «چرخشی در روند داوری»، مجله حقوقی نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۹.

عابدی، محمدتقی (۱۳۸۵)، «صلاحیت قضایی و صلاحیت داوری» (تحلیلی بر یک رأی صادره در مسئله صلاحیت)، مجله حقوقی، شماره ۳۵.

کریمی، عباس و پرتو، حمیدرضا (۱۳۹۱)، «داوری‌پذیری دعاوی مربوط به اموال عمومی و دولتی»، حقوق عمومی، شماره ۳۶.

محبی، محسن (۱۳۸۵)، «رویه داوری بین‌المللی درباره غرامت دعاوی نفتی»، مجله حقوقی دفتر خدمات بین‌المللی، شماره ۳۵.

معین، محمد (۱۳۵۳)، فرهنگ فارسی معین، تهران: انتشارات امیرکبیر.
میرزائزاد جویباری، ا (۱۳۹۴)، «ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری»، حقوق داری، شماره ۸.

یاوری، اسدالله و باقری، یوسف (۱۳۹۸)، «زمان اخذ مجوز ارجاع به داوری موضوع اصل ۱۳۹ قانون اساسی در پرتو آرای قضایی»، *مجله حقوقی*، شماره ۳۶.

References

- Ahmadloo, S. (2005), "Jurisdiction of National Courts to Appoint an Arbitrator To Prevent Denial of Justice", *Central European University*.
- Amerasinghe, C. F. (2005), "Local Remedies in International Law" Cambridge: Cambridge University Press.
- Brown, S. (1998), "Alternative Dispute resolution practitioners guide", Washington D.C: Center for Democracy and Governance.
- Dundas, H. (2004), "Dispute Resolution in the Oil & Gas Industry: an Oilman's Perspective", *Oil, Gas & Energy Law*. No.3. Retrieved from www.ogel.org/article.asp?key=1368
- Hutchinson, T. (2015), "The Doctrinal Method: Incorporating Interdisciplinary Methods in Reforming the Law", *Erasmus Law Review*, No. 3.
- Kharel, A. (2018), "Doctrinal Legal Research", *SSRN Electronic Journal*, No. 11, pp.1-17.
- Lakasz, Razdeiczner and Alejandro, A. (2016), "Alternative Dispute Resolution Manual: Implementing commercial mediation", International Finance Corporation.
- Luki, Bayusi Nammei and Jahan Abubakr, N. (2018), "Dispute settlement in the oil and Gas industry: why is international arbitration important", *journal of energy, technologies, and policy*, No. 4.
- Martin, T. (2011), "Dispute resolution in the international energy sector: an overview", *The Journal of World Energy Law & Business*, No. 4, Retrieved from <https://doi.org/10.1093/jwelb/jwr020>.
- Rivkin, D. and Lamb, S. and Leslie, N. (2015), "The future of investor-state dispute settlement in the energy sector: engaging with climate change, human rights and the rule of law", *The Journal of World Energy Law & Business*, No. 2.
- Talus, K. (2007), "International Competition for Resources: The Role of Law, the State and of Markets", *The Journal of World Energy Law & Business*, No. 3.
- Thames Valley Power Ltd. v Total Gas and Power Ltd. , EWHC 2208 (September 27, 2005).
- Timothy, M. (2017), "Dispute resolution in the international energy sector: an overview", *journal of world energy law and business*, No. 4 .
- Wesley, J. H. (2016), "Arbitration vs. litigation, an argument for considering arbitration as a tool for managing discovery problem in international land gas controversies", Sherman and Sterling LLP.
- White, N. (2010), "Alternative Dispute Resolution", Mediation and Conciliation Law Reform Commission.

Wong, J. (2006), “Umbrella Clauses in Bilateral Investment Treaties: Of Breaches of Contract, Treaty Violations, and the Divide between Developing and Developed Countries in Foreign Investment Disputes”, *George Mason Law Review*.

Law Cases:

Elf Aquitaine Iran v. National Iranian Oil Co. (NIOC), Preliminary Award of 14 January 1982, 11 Y. B. Com. Arb. 97 (1986).

National Iranian Oil Co. v. Ashland Oil, Inc., 716 F. Supp. 268 (S.D. Miss. 1989)

National Iranian Oil Co (NIOC) v. Israel, judgment of the French Cour de Cassation, First Civil Chamber Case, 2015, No. 01-13.742/02-15.237

National Iranian Oil Co. v. State of Israel, Federal Supreme Court of Switzerland, January 10, 2013-4A-146/2012.

Thames Valley Power Ltd. v Total Gas & Power Ltd., EWHC 2208 (27 September, 2005).

Arbitration and Conditions of Referring to It in Iran's Oil Disputes

Atefeh Akbari

Ph.D. Candidate, Private Law Department, Islamic Azad University

Jalil Ghanavati*

Corresponding Author, Associate Professor, Private Law Department, Tehran University

Abstract

Oil represents a big share in Iran's economy; thus, it is a sensitive issue for the public in Iran, and oil disputes are a public concern and provoke political debate in Iran. This article analyses the importance of arbitration as an oil dispute resolution mechanism, then, it studies the possibility of taking cases to it under international and Iranian law. To this aim, it employs a comparative legal approach to highlight factors in arbitration's popularity among other Alternative Dispute Resolution mechanisms. Then, the legitimacy of taking cases to arbitration is investigated from domestic and international law perspectives. Finally, implications of the Iranian law on the performance of the National Iranian Oil Company in the arbitration proceedings are discussed and a recommendation to alter conditions of going to arbitration is presented for lawmakers.

Keywords: Arbitration, Oil Contracts, Policy Making, Dispute Resolution, Referral Conditions

* Ghanavaty@ut.ac.ir